

احزاب سیاسی ایران

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷

اپوزیسیون و احزاب و سازمان ها و گروه های مخالف رژیم شاه

محمود نفیسی

سازمان مارکسیستی و لنینیستی توفان

احمد قاسمی و غلامحسین فروتن و عباس سفائی پس از ترک حزب توده و یا اخراج از آن ، به کمک کادرهای «سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور»، از آلمان شرقی به اروپای غربی فرار کرده و در ایتالیا رحل اقامت افکندند. این سه تن بلافاصله پس از ورود به اروپای غربی به «سازمان انقلابی»، که در بهار ۱۳۴۳ توسط بخشی از کادرهای سازمان جوانان حزب توده ایران تأسیس یافته بود، پیوستند.^(۱)

تأسیس کنندگان سازمان انقلابی نسبت به رهبری حزب توده نظر مثبتی نداشتند و تحت تأثیر انقلاب چین و کوبا، رهبری حزب توده را رفورمیست، اپورتونیست و دنباله رو و وابسته به شوروی می خواندند. آن ها از عضویت قاسمی، فروتن و سفائی در سازمان استقبال کردند و در نتیجه، این همکاری سبب گسترش و تحکیم سازمان انقلابی گشت. کادرهای رهبری سازمان انقلابی و سه تن فوق الذکر از نظر سیاسی و ایدئولوژیکی دارای مواضع مشترک مهمی بودند. هر دو بخش، در سطح جنبش کمونیستی جهان، با مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی رهبری حزب کمونیست آلبانی و چین و براساس رهنمودهای مانوتسه دون موافقت داشتند. هر دو بخش معتقد به انقلاب بوده و برخلاف رهبری حزب توده ، با تئوری های مسالمت آمیز (رقابت مسالمت آمیز و همزیستی مسالمت آمیز) که از مواضع حزب کمونیست شوروی بود، مخالفت کرده و هر دو ، «استالین» را برخلاف رهبری حزب توده، یک مارکسیست-لنینیست بزرگ ارزیابی می کردند.^(۲) علیرغم این نکات مهم، آن ها پس از مدت کوتاهی به دلیل تفاوت در برخورد هایشان نسبت به گذشته های حزب توده از یکدیگر جدا شدند. با اینکه هر دو بخش خود را طرفدار اندیشه های «مانوتسه دون» محسوب می داشتند و حزب شوروی را به عنوان یک حزب «رویزیونیستی» محکوم می کردند ، ولی در مورد پیدایش و تکامل حزب توده اختلاف اساسی داشتند. این سه تن (قاسمی، فروتن، سفائی) بر این باور بودند که حزب توده در آغاز تشکیل، یک حزب انقلابی به تمام معنی بوده ولی بعدها در نتیجه دنباله روی از سیاست «رویزیونیستی» رهبری حزب کمونیست شوروی در دوره «خروشچف» به انحراف کشیده شده و به



دکتر غلامحسین فروتن

قاسمی، فروتن، سفائی بر این باور بودند که حزب توده در آغاز تشکیل، یک حزب انقلابی به تمام معنی بوده ولی بعدها در نتیجه دنباله روی از سیاست «رویزیونیستی» رهبری حزب کمونیست شوروی در دوره «خروشچف» به انحراف کشیده شده و به یک حزب کمونیست «اپورتونیست» و غیر مارکسیستی تبدیل گشته است.



یک حزب کمونیست «اپورتونیست» و غیر مارکسیستی تبدیل گشته است. بنابراین وظیفه انقلابیون «احیاء» دوباره حزب است. کادرهای جوان با مواضع کادرهای قدیمی مخالفت کرده و بر آن بودند که حزب توده ایران از اول تولدش یک حزب رفرمیستی - اصلاح طلب و غیر انقلابی - بوده و وظیفه انقلابیون باید «ایجاد» یک حزب کمونیست به عنوان ادامه دهنده حزب کمونیست ایران در دهه ۱۳۱۰ باشد. ضمناً این دو گروه بر روی مسائل بین المللی نیز با یکدیگر اختلافاتی اساسی داشتند. اول اینکه قاسمی و فروتن در تحلیل خود از مسائل، به سوی احزاب آلبانی و چین تمایل نشان می دادند، در صورتی که رهبران سازمان انقلابی در اول پیدایش سازمان تحت تأثیر تجربیات تاریخی «کاسترو» در کوبا بودند. دیگر اینکه قاسمی و فروتن بر طبق تحلیل خود از تاریخ ایران بر این باور بودند که انقلاب در ایران اول در شهرها به وجود آمده و رشد کرده و سپس به روستاهای ایران گسترش پیدا خواهد کرد. بر این اساس آن ها «سازمان انقلابی» را که معتقد به «محاصره شهرها» از طریق دهات و روستاها بود، به داشتن انحراف «کاستروییستی» در جنبش کمونیستی ایران محکوم می کردند.^(۳)

این اختلافات تئوریک و سیاسی بالأخره در پائیز ۱۳۴۴ منجر به این شد که این دو گروه به راه مستقل خود رفته و علیرغم داشتن وجه مشترک مبارزه علیه رویزیونیسم کمیته مرکزی حزب توده، سازمان های خود را به وجود آوردند. قاسمی و فروتن پس از بحث و مشورت با نویسندگان روزنامه «توفان»، که نزدیک به دو سال بود که از طرف روشنفکران طرفدار فرخی یزدی - شاعر

بعد از جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، قاسمی در جریان مهاجرت خود نیز به فعالیت هایش ادامه داد و در ضمن مطالعه و تحقیق درباره اختلاف سیاسی - ایدئولوژیکی بین دو حزب کمونیست چین و شوروی، به تدریج علیه اکثریت کمیته مرکزی موضع گرفت و از نظرات حزب کمونیست آلبانی و اندیشه های «مائوتسه دون» دفاع کرد. بعد از رشد رویزیونیسم در حزب توده، قاسمی همراه با فروتن در پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده شرکت و در زمستان ۱۳۴۴ از حزب اخراج گردید. قاسمی بعد از خروج از حزب و از آلمان شرقی، با انتشار مقالاتی متعدد علیه رویزیونیسم حزب کمونیست شوروی و کمیته مرکزی حزب توده، در بین جوانان و دانشجویان ایرانی که در کشورهای غربی مشغول تحصیل بودند محبوبیت کسب کرد. یکی از آثار معروف او

«سندی در مبارزه علیه رویزیونیسم» است که بعد از فوت وی در بهمن ۱۳۵۲ (۱۹۷۴ میلادی، در شهر مونیخ)، از طرف سازمان توفان پخش شد.^(۶) احمد قاسمی که بر اثر سکتۀ قلبی چشم از جهان فرو بست، در قبرستان بزرگ شهر مونیخ دفن شده است.^(۷)

دکتر غلامحسین فروتن نیز یکی از روشنفکران فعال آغاز دهه ۱۳۲۰ در ایران بود. وی که در یک خانواده متوسط

۱۳۳۲، در مهاجرت به شوروی و سپس به اروپای شرقی، همچنان به فعالیت خود ادامه داد ولی بعد ها تحت تأثیر انقلاب چین به مخالفت با رهبری کمیته مرکزی حزب توده برخاست. قاسمی و فروتن بعد از انشعاب و یا اخراج از حزب توده و ایجاد سازمان مارکسیستی- لنینیستی «توفان»، به کار سیاسی در میان ایرانیان، بویژه در درون کنفدراسیون پرداختند. آنها با انتشار (بطور نسبی) مرتب روزنامه «توفان» و

فروتن در اواخر سال ۱۳۲۰ برای سازماندهی کارگران، شغل تدریس را رها کرد و از طرف حزب برای کار در بین کارگران به کرمانشاه فرستاده شد. وی به خاطر جدیت در کارش در اولین کنگرۀ حزب به مقام رهبری ارتقاء یافت.

در تهران به دنیا آمد، تحصیلات خود را در رشته زیست شناسی به پایان رساند. وی در هنگام پیوستن به حزب توده در سال ۱۳۲۰، پروفسور زیست شناسی (علوم طبیعی) در دانشگاه تهران بود. فروتن علیرغم تدریس، به کار در میان کارگران علاقه مند بود و به همین دلیل نیز در اواخر سال ۱۳۲۰ برای سازماندهی کارگران شغل تدریس را رها کرد و از طرف حزب برای کار در بین کارگران به کرمانشاه فرستاده شد. وی به خاطر جدیت در کارش در اولین کنگرۀ حزب به مقام رهبری ارتقاء یافت و همراه تقی فداکار، محمد فرجامی، انور خامه و سلیمان محمدزاده به عضویت کمیسیون کمیته مرکزی حزب در امور سازماندهی و تبلیغات انتخاب شد. او در دهه ۱۳۲۰ از فعالین رهبری بود که در شورای متحدۀ کارگری با «رضا روستا» همکاری می کرد. فروتن همچون قاسمی، پس از جریان ۱۵ بهمن ۱۳۳۷ و تیرخوردن شاه و رویداد کودتای ۲۸ مرداد

جزوات و نوشته های مختلف، به مبارزه علیه رویزیونیسم و وابستگی حزب توده به شوروی پرداختند.^(۸)

در اواسط دهه ۱۳۶۰ طرفداران «توفان» یکی از مهمترین گروه های درون کنفدراسیون جهانی را تشکیل می دادند. ولی از همان ابتدای ایجاد سازمان یک رشته اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی در سطح رهبری سازمان - بین فروتن و قاسمی- ظهور کرد و رشد نمود. تکامل پروسۀ انقلاب فرهنگی در چین، شکست و سرکوب لین پیائو و یارانش در ۱۹۶۹، که موجب بروز اختلافاتی بین حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی - که هر دو ضد رویزیونیسم و ضد شوروی بودند- شد، در تشدید اختلافات بین فروتن و قاسمی- درباره برخی از مسائل جنبش جهانی کمونیستی و همچنین ایران- بی تأثیر نبود. در اواسط دهه ۱۹۷۰، رشد روابط حسنه بین آمریکا و جمهوری توده ای چین به تدریج به اختلافات موجود بین حزب

کار آلبانی و حزب کمونیست چین شدت بخشید، اختلافاتی که مدت ها آشکار نشد و بطور عمده پشت صحنه ای بود؛ اختلافاتی که با درگذشت چونن لای و مائوتسه دون در سال ۱۹۷۶، بطور آشکاری مورد بحث قرار گرفت و منجر به حملات آشتی ناپذیر حزب کار آلبانی به حزب کمونیست چین و رهبری جدید آن - هواکوفنگ - شد. در سازمان توفان نیز با اینکه اختلافات بین فروتن و قاسمی در سطح کادرهای رهبری آشکار شده بود، ولی آن طور که مطالعه شماره های مختلف روزنامه «توفان» نشان می دهد هیچ گاه در سطح عموم و یا در بدنه سازمان مورد بحث قرار نگرفت.^(۹) در درون سازمان نیز باور بخشی از کادرها به رهبری فروتن بر این بود که انقلاب فرهنگی و اندیشه های مائوتسه دون از فرآورده ها و تجربیات گران بهای جنبش کمونیستی و ضد رویزیونیسمی جهانی است و حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی دو حزب پرافتخاری هستند که سازمان توفان نباید در مورد اختلافات آن دو حزب جهت گیری کند.^(۱۰) در حالی که موضع بخش مهمی از سازمان به رهبری احمد قاسمی بر آن بود که اختلافات موجود پایه اصولی دارد و نظرات حزب کار آلبانی را با رهبری «انورخوجه» تصدیق می کرد. این بخش پس از مرگ قاسمی بطور علنی از حزب کار آلبانی پشتیبانی کرده و به تدریج نه تنها حزب کمونیست چین را «رویزیونیست» خواند بلکه شروع به حملات شدیدی علیه اندیشه های مائوتسه دون کرد.^(۱۱)

پس از درگذشت قاسمی، اختلافات برای مدتی در سطح رهبری باقی ماند و در کل سازمان و نشریه «توفان» منعکس نشد. در سه سال پس از مرگ قاسمی (از ۱۹۷۴

از سازمان در سال های ۱۳۶۰-۱۳۵۶، در عین حال که هنوز از اندیشه های مائوتسه دون پیروی می کرد، سیاست خارجی چین را که شوروی در آن به عنوان «دشمن اصلی» و «خطر اصلی» ارزیابی می شد، مورد انتقاد قرار داده بود. همچنین این بخش از سازمان، حزب کمونیست آلبانی را که در آن زمان به شدت از چین و اندیشه های مائوتسه دون انتقاد می کرد، یک حزب انقلابی محسوب می داشت. (۱۴) بخش دیگری که بطور عمده از طرفداران خط احمد قاسمی بودند و همانند خود او بر این باور بودند که در یک کشور واحد تنها یک حزب طبقه کارگر یا کمونیست می تواند وجود داشته باشد، در مهر ماه ۱۳۵۶، تحت رهبری علی سعادتی مشهور به «سنجر»، طی یک انشعاب، به احیاء حزب اقدام کرده و «حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران» را تأسیس

انقلاب ایران، به انشعاب در درون آن سازمان منجر شد. (۱۲) در سال ۱۳۵۶، در سازمان توفان اختلافات حول سه مسأله «تعدد حزب کمونیست»، «سیاست خارجی چین» و «انتقاد حزب کمونیست آلبانی از آن» و نیز امواج انقلابی که در ایران داشت اوج می گرفت - که در اوایل سال ۱۳۵۰ در داخل حزب به بحث گذاشته شده بود - شدت یافت و باعث شد که حزب به دو بخش عمده تقسیم شود: بخشی به رهبری غلامحسین فروتن، که از سال ها پیش به این نتیجه رسیده بود که در یک کشور وابسته مثل ایران، کمونیست ها می توانند در دو و سه حزب یا بیشتر بسیج شده و تشکل یابند، (۱۳) موضع چند حزبی خود را حفظ کرد و تحت نام «سازمان مارکسیستی - لنینیستی «توفان» برای تدارک انتقال به ایران بروند. این بخش

تا پایان ۱۹۷۶ تحولات مهمی در جنبش کمونیستی جهان روی داد؛ پس از سقوط شهر سایگون، سراسر ویتنام تحت رهبری حزب ویتنام متحد گردید و کمونیست ها در لائوس و کامبوج نیز اوضاع را در دست گرفتند. در جریان سال ۱۹۷۶، بعد از مرگ چوته، چونن لای، و مائوتسه دون، اکثریت رهبری حزب کمونیست چین با دستگیری و اخراج گروه چهار نفره، زمینه را برای ظهور و نیز خروج «سانوپن»، (تن سیائو پنگ) آماده کرد و همه این جریانها به اختلاف موجود بین حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی شدت بخشید. این اختلافات در داخل سازمان های ضد رویزیونیستی و ضد شوروی نیز به بحث گذاشته شد و این بحث ها به آتش اختلافات بین دو فراکسیون موجود در داخل سازمان توفان نیز دامن زد و سرانجام نیز در بحبوحه

تنها رستوران ایرانی در
SUGAR LAND

KC
KABOB CAFE

ترهه چلوکباب کوبیده در برگ،
جوجه کباب، زرشک پلو و مرغ
و انواع سالاد

**هر روز هفته
در اسرع وقت!**

۱۱ صبح تا ۱۰ شب

KABOB CAFE

4645 Hwy. 6, Suite W
Sugar Land, TX 77478

281 . 903 . 7373

هزینه ماهانه برق منازل خود را کاهش دهید

به راحتی و مجانی و با اطمینان کامل

رضایت کامل شما هدف اصلی ماست

احمد 7419-463-713 فریدون 8036-804-281

IRAN SATELLITE

۲۴ کانال تلویزیون ایرانی
۵ رادیوی فارسی زبان

با نصب حرفه ای

جهت خرید و نصب با بهمن تماس بگیرید

کردند. (۱۵) باتیان این حزب بر این باور بودند که رهبری ایدئولوژیکی و واقعی جنبش کمونیستی جهان بعد از مارکس، انگلس، لنین و استالین، بطور مستقیم به «انور خوجه» رهبر حزب کار آلپانی منتقل شده و رهبری حزب کمونیست چین نیز مثل حزب شوروی رویزیونیستی است و مائوتسه دون نیز سال ها قبل از انقلاب فرهنگی به منجلا ب «پدر سالاری» و عادات فئودالی افتاده و دارای انحرافات سیاسی بوده است. (۱۶) در تابستان ۱۳۵۶، زمانی که هنوز در سازمان توفان انشعاب رسمیت پیدا نکرده بود، برخی از اعضای فعال سازمان به دلیل وجود اختلافات اساسی با هر دو فراکسیون دست به ایجاد تشکیلات جدیدی زدند. این گروه بر این باور بود که چین توده ای بعد از مرگ مائوتسه دون همچنان انقلابی باقی مانده و حزب کمونیست چین حتی بعد از بازگشت دان شائوین به رهبری حزب، همچنان انقلابی است و «تئوری سه جهان»، استراتژی و تحلیل انقلابی از شرایط متغیر جهان بعد از سال ۱۹۷۳ میلادی (۱۳۵۲ خورشیدی) محسوب می شود. این گروه در تیرماه ۱۳۵۶ «سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران» را ایجاد کرده و به انتشار نظرات ارگان مرکزی خود با نام «پرولتر» پرداختند و نویسندگان این نشریه در شماره های مختلف روزنامه پرولتر، دو جناح و فراکسیون را «اپورتونیست و تروتسکیست» خواندند. (۱۷)

غلامحسین فروتن ۸۷ سال عمر کرد و در اوت ۱۹۹۸ بر اثر بیماری ریه و کلیه فوت کرد. پشتکار وی در مبارزه بی نظیر بود. او پس از انشعاب در سازمان توفان، گروهی را با نام «راه آینده» بنیان گذارد که آخرین شماره نشریه او پس از مرگش

انتشار یافت. فروتن در این شماره با شوق خبر تشکیل هسته کمونیستی ارانی را در ایران اعلام کرده بود و ضمن تیریک دو وظیفه برای کمونیست ها قائل شده بود: یکی اشاعه مارکسیسم - لنینیسم، علیرغم همه مخالفت هایی که هست، و یکی هم ایجاد حزب طبقه کارگر.

فروتن در شهر ویسبادن (۳۰ کیلومتری فرانکفورت) به تنهایی و قناعت زندگی می کرد و حاضر نبود مزاحمتی برای دوستانش فراهم آورد، حتی مایل نبود دوستان و یارانش به او سر بزنند و یا برایش دکتر بیاورند و یا برایش غذا تهیه کنند. او به مفهوم اخص کلمه «فروتن - فداکار - و باورمند» بود. فروتن شاید یکی از بازماندگان نسل کهن جنبش چپ باشد. (۱۸)

فروتن سخت بر این باور بود که: «تنها سوسیالیسم است که بشریت را از مفاک محرومیت و فساد و انحطاط نجات می دهد و راه دیگری باقی نیست.

ادامه دارد

۱- برای جزئیات فرار قاسمی - فروتن و سفائی از اروپای شرقی به اروپای غربی و همکاری آنها با باتیان (سازمان انقلابی) رجوع کنید به «نگاهی از درون به جنبش چپ»، ص ۱۰۵ و ۱۰۶، از حمید شوکت و نیز «گفتگو با کوروش لاشائی»، از حمید شوکت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۷۲ و ۷۶

۲- همان، «گفتگو با کوروش لاشائی»، ص ۷۳ و ۷۵

۳- درباره اختلافات قاسمی، فروتن و سفائی با رهبران سازمان انقلابی، رجوع کنید به «نشریه توفان»، شماره ۱۸، دی ۱۳۲۳، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۴۴ و سازمان مارکسیستی و لنینیستی توفان (نمونه منقح)، نشریه شماره ۲۴، بدون ذکر مکان، چاپ، ۱۳۴۹ و جنبش کمونیستی در ایران»، نشریه «توده»، شماره ۲۱، مرداد ۱۳۵۰

۴- نشریه «توفان»، شماره ۱۳، نیمه دوم مرداد ۱۳۴۴

۵- درباره فعالیت های سیاسی احمد قاسمی در دوران ۱۳۳۲-۱۳۳۰ رجوع کنید به «ایران بین دو انقلاب»، ابراهامیان، چاپ انگلیسی، ص ۲۹۶ و ۲۹۷

۶- «رفیق قاسمی نمونه اصولیست مارکسیستی - لنینیستی»، در نشریه توفان، شماره ۶۱، ۷۱، فروردین ۱۳۵۹

۷- «چهره ها و گفته ها»، گفت و گوهای حسین مهری با مهدی خاتابا تهرانی»، چاپ اول، ژانویه ۲۰۰۰، ص ۱۲۳

۸- غلامحسین فروتن، «یادمانی از گذشته، حزب توده در مهاجرت»، اروبا، ۱۳۷۲

۹- درباره عوامل این اختلافات رجوع کنید به «چهارده سال مبارزه کمونیست های مشکله در توفان برای احیاء حزب طبقه کارگر ایران»، از احمد قاسمی، ۱۳۵۶، ص ۹۳ تا ۱۰۰ و ۱۵۴ تا ۱۵۷

۱۰- درباره برخی خصوصیات سازمان توفان، نشریه «توفان»، شماره ۱۴۸، خرداد ۱۳۵۷

۱۱- «نقاب فرصت طلبان را با دست خودشان برداریم»، در نشریه «توفان»، ارگان مرکزی حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران»، شماره ۲۲، خرداد ۱۳۵۸

۱۲- درباره جزئیات این انشعاب در توفان رجوع کنید به: «دنیای سوسیالیسم و تئوری سه دنیا» در نشریه توفان، شماره ۲۲، دوره سوم، آذر ۱۳۵۶

۱۳- «شورشیان آرمان خواه»، مازیار بهروز، ترجمه مهدی پرتوی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱ و ۱۶۲

۱۴- برای نمونه رجوع کنید به «دنیای سوسیالیسم و تئوری سه دنیا» در نشریه توفان، شماره ۱۲۳، دوره سوم، آذر ۱۳۵۶

۱۵- همان، «چهارده سال مبارزه»، از احمد قاسمی

۱۶- همان، «نقاب فرصت طلبان را با دست خودشان برداریم»

۱۷- درباره مواضع «سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران» رجوع کنید به «سخنی درباره انتشار پرولتر» در نشریه پرولتر، سال اول، شماره ۱، تیر ۱۳۵۶، «توفان در سراشیب» در نشریه پرولتر، سال اول، شماره ۱۲، مرداد ۱۳۵۶

«ظهور و سقوط توفان دوره سوم»، نشریه «پرولتر»، سال اول، شماره ۷، دی ۱۳۵۶

۱۸- همان، چهره ها و گفته ها ... ص ۱۲۰ تا ۱۲۴